



# به واسطه‌ای که ملت مرا قبول دارد دولت تعیین می‌کنم...



دوازدهم بهمن ماه هر سال یادآور خاطره استقبال بی نظیر مردم ایران از رهبر فقید انقلاب است. استقبالی که برخی از خبرگزاری‌های خارجی از حضور حدود ده میلیون نفر در آن خبر دادند. این روز همچنین سخنرانی امام در بهشت زهرا را به یاد می‌آورد که در آن به صراحت از تشکیل دولت جدید به پشتیبانی ملت سخن گفت:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم  
بسم الله الرحمن الرحیم

ما در این مدت مصیبت‌ها دیده‌ایم، مصیبت‌های بسیار بزرگ، بعضی پیروزی‌ها هم حاصل شد که البته آن هم بزرگ بود. مصیبت زن‌های جوان مرده، مردهای اولاد از دست داده، طفل‌های پدر از دست داده. من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولادشان را از دست داده‌اند می‌افتد، سنگینی بر دوشم پیدا می‌شود که نمی‌توانم تاب بیاورم. من نمی‌توانم از عهده این خسارت‌ها که بر ملت ما وارد شده‌است، برآیم. من نمی‌توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیز خود را در راه خدا داد، خدا باید به آنها اجر عنایت فرماید. من به مادرهای فرزند از دست داده تسلیت عرض می‌کنم و در غم آنها شریک هستم. من به پدرهای جوان داده تسلیت عرض می‌کنم و به جوان‌هایی که پدرشان را در این مدت از دست داده‌اند، تسلیت می‌گویم.

باید حساب کنیم که این مصیبت‌ها برای چه به ملت وارد شده؟ مگر این ملت چه می‌گفت و چه می‌گوید که الان که صدای ملت درآمده تا حالا قتل و ظلم و غارت ادامه دارد.

ملت ما چه می‌گفت که مستحق این همه عقوبت بود. ملت ما یک مطبلش این بود که این سلطنت پهلوی از اول که پایه‌گذاری شده برخلاف قوانین بوده، آنها که در سن من هستند، می‌دانند و دیده‌اند که مجلس موسسان با سرنیزه تاسیس شد و ملت هیچ دخالتی در تاسیس مجلس نداشت.

مجلس موسسان را با زور سرنیزه تاسیس کردند و وکلایش را نیز با زور وادار کردند که به رضاشاه رای سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود و همچنین اصل رژیم سلطنتی، از اول خلاف قوانین و خلاف قواعد عقلی و خلاف حقوق بشر است.

حالا اگر فرض کنیم که همه ملت در آن زمان رای دادند که یک نفر سلطان باشد، بسیار خوب اینها از بابت اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان و مختار به سرنوشت خودشان بودند، رای آنها برای خودشان قابل قبول است، اما به چه حقی ملت ۵۰ سال پیش سرنوشت ملت بعد را معین می‌کند. سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق، زمان اول قاجاریه نبودیم. اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه رفراندومی تحقق پیدا کرد و فرض کنیم که همه ملت نیز رای مثبت داد، اما آنها به آغامحمدخان قاجار رای مثبت دادند. آن اجداد ما که رای دادند، برای سلطنت قاجاریه به چه حقی رای دادند که در زمان ما احمدشاه سلطان باشد. سرنوشت هر ملت دست خودش است.

در ۱۵۰ سال پیش از این یک ملتی بوده، سرنوشتی داشته و احتیاجاتی هم داشته است، ولی این ملت اختیار ما را نداشته که یک سلطنتی را بر ما مسلط کند. ما فرض کنیم که این سلطنت پهلوی که از اول به اختیار مردم و مجلس موسسان تاسیس شد، ولی بر فرض اینکه اینها به اختیار مردم برگزیده شدند، باتوجه به اینکه عده قلیلی از مردم آن زمان را درک نکردند چه حقی داشتند ملت در آن زمان سرنوشت ما را در این زمان معین کنند؟ بنابراین سلطنت محمدرضا اولاً چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود و با زور سرنیزه تاسیس شده بود، سلطنت محمدرضا هم غیرقانونی است و اگر چنانچه فرض کنیم سلطنت رضاشاه قانونی بوده آنها چه حقی داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند هر کسی اختیار سرنوشتش با خودش است، مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ مگر آن اشخاصی که در صد سال پیش از این، ۸۰ سال پیش از این بودند، می‌توانند سرنوشت ملتی را که بعدها به وجود می‌آید تعیین کنند؟ این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا قانونی نیست.

علاوه بر این اگر باز فرض کنیم که سلطنتی که در آن وقت درست کرده بودند، صحیح بوده است، این ملتی که سرنوشت خودش را باید خودش تعیین کند در این زمان می‌گوید: ما این سلطان را نمی‌خواهیم، وقتی که ملت رای داد که سلطنت رضاشاه و محمدرضاشاه و رژیم سلطنتی را نمی‌خواهیم، این هم یک راه است، در تایید اینکه سلطنت این شاه باطل است.

**سلطنت محمدرضا هم غیرقانونی است و اگر چنانچه فرض کنیم سلطنت رضاشاه قانونی بوده آنها چه حقی داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند هر کسی اختیار سرنوشتش با خودش است**

حالا می‌رویم سراغ دولت‌ها، دولت‌هایی که ناشی شده‌اند از سلطنت محمدرضا و مجلس‌هایی که ما داریم، درطول مشروطیت به غیر از بعضی از زمان‌ها، آن هم نسبت به بعضی از وکلا، مردم در تعیین وکلا دخالت نداشته‌اند.

من از شما مردم تهران سوال می‌کنم که آیا وجود این وکلایی که در مجلس هستند، چه در مجلس شورا و چه در مجلس سنا اطلاع داشتید که آنها را خودتان انتخاب کنید. اکثر مردم می‌شناسند و می‌دانند این افرادی که الان به عنوان وکیل در مجلس سنا یا مجلس شورا هستند با زور و بدون اطلاع مردم انتخاب شده‌اند. مجلسی که بدون اطلاع مردم و بدون رضایت مردم باشد، این مجلس غیرقانونی است. بنابراین اینهایی که در مجلس نشسته‌اند و به عنوان وکیل، چه در مجلس شورا، چه سنا مال ملت را به عنوان حقوق می‌گیرند، در مقابل ملت ضامن هستند، اما یک دولتی که ناشی می‌شود از شاهی که خودش و پدرش غیرقانونی است و مجلسش غیرقانونی است، این دولت نیز غیرقانونی است.

این ملت حرفی را که در زمان محمد رضاخان می‌گفته که این سلطنت را ما نمی‌خواهیم و تعیین سرنوشت ما با خودمان است، حالا می‌گوید ما این وکلا و این مجلس و این دولت را غیرقانونی می‌دانیم، حالا کسی که خودش از ناحیه مجلس و از ناحیه شاه منصوب شده و همه اینها غیرقانونی هستند، می‌شود قانونی باشد؟ ما می‌گوییم که شما غیرقانونی هستید و باید بروید، دولتی که الان به اسم دولت قانونی خودش را معرفی می‌کند، تا چند سال پیش از این تا وقتی که دستش در نیامده بود، در وزارت، قبول داشت که همه چیز غیرقانونی است.

حالا چه شده است که می‌گوید من قانونی هستم. این مجلس

غیرقانونی است از خود وکلا بپرسید که آیا شما را ملت تعیین کرده است؟ هر کدام ادعا کردند که ملت آنها را تعیین کرده ما دستشان را می‌دهیم به دست یک نفر آدم برود حوزه انتخابیه اش و در حوزه انتخابی اش از مردم سوال می‌کنیم این آقا وکیل شما هست؟ شما او را تعیین کردید؟ مسلماً از حالا بدانید که جواب شان منفی است، آیا یک ملتی که فریاد می‌زند که این دولت، این شاه و این مجلس برخلاف قوانین است و حق قانونی و حق شرعی و حق بشری ماست که سرنوشتمان دست خودمان باشد، آیا حق این ملت این است که یک قبرستان شهید در تهران برای ما درست کنید و یک قبرستان در جاهای دیگر؟

من باید عرض کنم که محمدرضا پهلوی این خائن خبیث که فرار کرده همه چیز ما را به باد داد، مملکت ما را از ناحیه اقتصاد خراب کرد، تمام اقتصاد ما الان خراب است و از هم ریخته. اگر چنانچه بخواهیم این اقتصاد را به حال اول برگردانیم سال‌های طولانی و به‌همت همه مردم نیازمند است. نه یک دولت می‌تواند این کار را بکند و نه یک قشری از اقشار مردم می‌توانند این کار را بکنند، تا تمام مردم دست به‌دست هم ندهند، نمی‌توانند این ریختگی اقتصاد را از بین ببرند.

شما ملاحظه کنید به‌اسم اینکه ما می‌خواهیم زراعت را گسترش دهیم و رعیت‌ها را دهقان کنیم، اصلاحات ارضی درست کردند. این اصلاحات ارضی پس از این مدت طولانی به اینجا منتهی شد که به کلی دهقانی از بین رفت. به کلی زراعت ما از بین رفت و الان شما در همه چیز محتاج خارج هستید. محمدرضا این کار را کرد تا بازاری برای آمریکا درست کند، تا ما محتاج باشیم و گندم، برنج و تخم مرغ از آمریکا وارد کنیم یا از اسرائیل که دست‌نشانده آمریکاست.

بنابراین کارهایی که این آدم به عنوان اصلاح کرده افساد بوده است، اصلاحات ارضی لطمه ای بر مملکت ما وارد کرد که ما شاید تا بیست سال دیگر نتوانیم جبران کنیم. مگر همه ملت دست به دست هم بدهند و سال‌هایی بگذرد تا جبران شود.

به این معنی فرهنگ ما نیز یک فرهنگ عقب‌نگه‌داشته است، به طوری که الان تحصیلات جوان‌های ما در اینجا تمام و تام نیست و

**ما که فریاد می‌زنیم برای این است، خونهای جوانهای ما برای این جهت ریخته شده است: برای این که آزادی می‌خواهیم پنجاه سال است که در اختناق به سر می‌بریم نه مطبوعات داشتیم. نه رادیوی صحیح نه تلویزیون. نه خطیب می‌توانست حرف بزند، نه اهل منبر می‌توانست حرف بزند**

جوان باید بعد از این که مدتی در اینجا تحصیل کرد آن هم با این همه مصیبت، به خارج برود و تحصیل کند. بیشتر از پنجاه سال است که دانشگاه داریم و قریب سی و چند سال است که این دانشگاه را داریم، لکن چون خیانت شده است، (از این جهت ما رشد نکرده ایم. این آدم تمام انسانها و نیروی انسانی ما را از بین برده است. این آدم به واسطه نوکری، مراکز فحشا درست کرده است. تلویزیونش مرکز فحشاست. رادیو، بسیاری فحشاست. مراکز که اجازه دادند که باز باشند مراکز فحشاست.

اینها دست به دست هم داده‌اند به طوری که در تهران مرکز مشروب فروشی بیشتر از کتاب‌فروشی است، مراکز فساد دیگر نیز که الا ماشاءالله بسیار زیاد است. برای چه سینمای ما مرکز فحشاست؟ ما با سینما مخالف نیستیم ما با مرکز فحشا مخالفیم ما با رادیو مخالف نیستیم ما با فحشا مخالفیم ما با تلویزیون مخالف نیستیم ما با آن چیزی که در خدمت اجانب و برای عقب‌نگه‌داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی باشد مخالفیم. ما کجا با مظاهر تجدد مخالف کرده‌ایم. مظاهر تجدد وقتی که از اروپا به شرق آمده خصوصاً به ایران به جای این که ما را تمدن کند ما را به توحش کشانده است.

سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت مردم و تربیت مردم باشد، ولی می‌دانید که این مظاهر تمدن در اینجا جوانهای ما را به تباهی کشیده است. ما با اینها در این جهت مخالف هستیم. اینها به تمام معنی به ما و مملکت ما خیانت کرده‌اند. و اما نفت ما، تمام نفت ما را به غیر دادند. به آمریکا و غیر آمریکا دادند و عوضش یک اسلحه‌هایی برای پایگاه درست کردن برای آقایان گرفتند. ما هم نفت دادیم و هم برای آنها پایگاه درست کردیم. آمریکا ما حیل و با همکاری این مرد نفت راز ما برد و در عوض برای خودش پایگاه درست کرد. یعنی اسلحه‌هایی آورد که ارتش ما نمی‌تواند استفاده کند و باید حتما مستشاران آنها باشند. باید کارشناسان آنها باشند. این هم از ناحیه نفت که اگر چند سال دیگر خدای نخواست این سلطنت عمر پیدا کرده بود مخازن نفت ما را تمام کرده بود. زراعت ما را هم که تمام کرده، در این صورت آن وقت این ملت به کلی ساقط شده بود و می‌بایست برای اغیار عملگی کنند.

**دولتی که ما می‌گوییم متکی‌به آرای ملت است. متکی به حکم خداست سلطنت محمدرضا هم غیرقانونی است و اگر چنانچه فرض کنیم سلطنت رضاشاه قانونی بوده آنها چه حقی داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند هر کسی اختیار سرنوشتش با خودش است حق شرعی و حق بشری ماست که سرنوشتمان دست خودمان باشد**

ما که فریاد می‌زنیم برای این است، خونهای جوانهای ما برای این جهت ریخته شده است: برای این که آزادی می‌خواهیم پنجاه سال است که در اختناق به سر می‌بریم. نه مطبوعات داشتیم. نه رادیوی صحیح، نه تلویزیون. نه خطیب می‌توانست حرف بزند، نه اهل منبر می‌توانست حرف بزند، نه امام جماعت می‌توانست آزاد کارش را ادامه دهد و نه هیچ‌یک از اقشار ملت کارشان را می‌توانستند آزادانه ادامه دهند و در زمان ایشان هم همین اختناق به‌طریق بالاتر باقی است و باقی بود و الان هم باز نیمه‌حشاشه(نیمه جان و بی رمق) آن‌که باقی است نیمه حشاشه‌این اختناق هم باقی است، ما می‌گوییم خود آن آدم، دولت آن آدم، مجلس آن آدم

**ما می‌خواهیم که مملکت، مملکتی قوی باشد ما می‌خواهیم مملکت دارای یک نظام قدرتمند باشد. ما نمی‌خواهیم نظام را به هم بزینیم. ما می‌خواهیم نظام محفوظ باشد. لکن نظام ناشی از ملت، در خدمت ملت، نه نظامی که دیگران سرپرستی کنند و دیگران فرمان دهند**

تمام اینها غیرقانونی است و اگر ادامه دهند اینها مجرمند و باید محاکمه شوند و ما آنها را محاکمه می‌کنیم.

من دولت تعیین می‌کنم من توی دهن این دولت می‌زنم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم. من به واسطه‌ای که ملت مرا قبول دارد (در این موقع جمعیت به شدت دست می‌زند و یکصد صلوات می‌فرستد و امام لحظه‌ای سکوت می‌کند. بعد از مردم درخواست می‌شود که سکوت کنند و بعد از سکوت دوباره امام سخنانش را چنین ادامه می‌دهد) این آقا خودش هم خودش را قبول ندارد رفقایش هم قبولش ندارند. ملت هم قبولش ندارد، فقط آمریکا از او پشتیبانی کرده و به ارتش دستور داده که از او پشتیبانی کند. انگلیس هم از او پشتیبانی کرد. یک نفر آدمی که نه ملت قبولش دارد، نه هیچ‌یک از طبقات ملت از هر جایی که بگویند قبولش ندارند.

پله چند تا اشعار را دارد که بیابود تو خیابان‌ها و فریاد بزنند. لکن ملت این است این ملت است می‌گوید که دریک مملکت دوتا دولت نمی‌شود. خوب واضح است که یک مملکت دوتا دولت ندارد. لکن دولت غیرقانونی باید برود. غیرقانونی هستی برو. دولتی که ما می‌گوییم متکی به آرای ملت است، متکی به حکم خداست تو باید یا خدا را انکار کنی یا ملت را. این آدم باید سرچایش بنشیند یا اینکه به امر آمریکا وادار کند یک دسته‌ای از اشعار را که ملت را قتل عام کنند. ما تا هستیم نمی‌گذاریم اینها سلطه پیدا کنند ما نمی‌گذاریم دوباره آن حیثیت سابق اعاده شود و آن ظلم‌های سابق تکرار گردد.

ما نخواهیم گذاشت که محمد رضا برگردد. اینها می‌خواهند برش گردانند. بیدار باشید ای مردم بیدار باشید. نقشه دارند می‌کشند. مردم در آنجایی که هست، ستاد درست کرده است. روابط دارند درست می‌کنند، می‌خواهند دوباره ما را برگرداند به آن حدی که همه چیزمان اختناق در اختناق باشد و همه هستی ما به کام آمریکا برود. ما نخواهیم گذاشت. تا جان داریم، نخواهیم گذاشت ومن از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را خواهانم و عرض می‌کنم بر همه ما واجب است که این نهضت را ادامه بدهیم، تا آن وقتی که همه اینها ساقط شوند. ما به واسطه آرای مردم، مجلس موسسان درست می‌کنیم و دولت اول را و دولت دائمی را تعیین خواهیم کرد.

من اینجا باید یک صحبتی به‌ارتش بکنم و یک تشکر از یک‌ارگان ارتش، یک قشرهایی از ارتش، اما آن نصیحتی که می‌کنم این است که ما می‌خواهیم شما مستقل باشید. ما داریم زحمت می‌کنیم، ما خون دادیم، ما جان دادیم، ما حیثیت و آبرودادیم مشایخ ماجسس رفتند، زجر کشیده‌اند که ارتش ما مستقل باشد. آقای ارتشید شما نمی‌خواهید مستقل باشید؟ آقای سرلشکر شما نمی‌خواهید مستقل باشید؟ شما می‌خواهید نوکر باشید؟

من به شما نصیحت می‌کنم که بیایید در آغوش ملت، ملتی که می‌گوید ما باید مستقل باشیم و ارتش ما باید مستقل باشد و زیر فرمان مستشاران آمریکایی و اجنبی نباشد. ما به خاطر شما این حرف را می‌زنیم. شما هم بیایید برای خاطر خودتان این حرف را بزنید بگویید ما می‌خواهیم مستقل باشیم ما نمی‌خواهیم این مستشاران باشند.

ما این حرف را می‌زنیم که ارتش باید مستقل باشد جزای ما این است که بریزید در خیابان‌ها و خون جوان‌های ما را بریزید که چرا می‌گویند شما باید مستقل باشید؟ ما می‌خواهیم تو آقاباشی. اما تشکر می‌کنم از این قشرهایی که متصل شده‌اند به ملت، و اینها آبروی خودشان را، آبروی کشورشان را، آبروی ملتشان را حفظ کرده‌اند، این درجه‌داران، همافران و افسران نیروی هوایی همه مورد تشکر و تمجید ما هستند و همانطور آتھایی که در اصفهان، همدان و سایر جاها تکلیف شرعی و ملی خود را دانستند و به ملت ملحق شدند و از نهضت اسلامی پشتیبانی کردند. ما از آنها تشکر می‌کنیم و به آتھایی که متصل نشده‌اند می‌گوییم که متصل شوند که اسلام بهتر از کفر است. ملت بهتر از اجنبی است ما این مطلب را برای شما می‌گوییم. شما هم این کار را برای خودتان بکنید. رها کنید و خیال نکنید اگر رها کردید، ما شما را دار می‌زنیم این چیزهایی است که کسان دیگر درست کرده‌اند. وگرنه این همافران و این درجه‌داران که آمدند و متصل شدند، ما با کمال عزت و سعادت آنها را حفظ می‌کنیم. ما می‌خواهیم که مملکت، مملکتی قوی باشد ما می‌خواهیم مملکت دارای یک نظام قدرتمند باشد. ما نمی‌خواهیم نظام را به هم بزینیم. ما می‌خواهیم نظام محفوظ باشد. لکن نظام ناشی از ملت، در خدمت ملت، نه نظامی که دیگران سرپرستی کنند و دیگران فرمان دهند.

والسلام علیکم ورحمت الله برکاته  
به نقل از روزنامه اطلاعات ۱۴ بهمن ماه ۱۳۵۷